

انقلاب کارگری

شماره ۲ ۱ آذر ۱۳۸۲ - ۲۲ نوامبر ۲۰۰۳

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
پرونتاریا در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمیدهد،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
پرونتاریای جهان متحد شوید!

سردبیر

کارگران نفت و انقلاب آتی



امیر توکلی

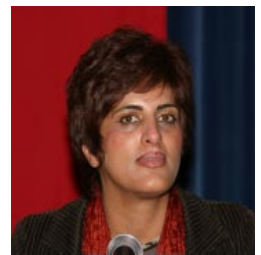
فردای پایان جنگ بیشترمانه با شعار سیاست «تعدیل نیروی کار» و یا «نوسازی صنایع» و غیره یورش وحشیانه ای را به طبقه کارگر شروع کردند. از دوره رفسنجانی تاکنون بیش از دو میلیون کارگر از صنایع تولیدی اخراج گردیده اند. صنایع نساجی، ریخته گری، قند و شکر، صنایع شیمیایی، ماشین سازی، لاستیک سازی و بخشهای خدماتی و آموزشی از جمله عرصه هایی هستند که مورد هجوم رژیم بوده است.

امروز بسراغ کارگران پتروشیمی در اراک، اصفهان و خارک رفته اند. اما با موجی از اعتراض، تحصن و راهپیمایی کارگری روبرو شده اند. کارگران می گویند ما ماشین نیستیم که همراه

صفحه ۵

کارگران در دوره حیات کثیف جمهوری اسلامی از اصلی ترین قربانیان بوده اند. در طول ۲۴ سال همه دستگاه سرکوب و همه توانشان را صرف ارزان و خاموش نگهداشتن کارگر کرده اند. اینها اولین گلوله هایشان را به صف کارگران بیچار شلیک کردند. در دوره جنگشان با عراق کارگران را با ارباب و سرکوب بیرحمانه ای به تولید باز هم بیشتر واداشتند و در

منصور حکمت و انقلاب کارگری!



مهرنوش موسوی

بورژوا درآورده و فکر میکند که برای همه اینها باید متحد شد و انقلاب کرد. و این چیزی جز تعریف سوسیالیسم کارگری نیست. "از مبانی و چشم اندازها، جلد هشتم آثار حکمت"

یکی از مهمترین مباحث منصور حکمت توضیح مکان انقلاب در سیستم تفکر و مبانی جنبش کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری از توضیح جهان بر مبنای جدال دائمی و هر روزه اردوی کار و سرمایه آغاز میکند. یک جدال و تقابل بنیادی. "تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح منشأ و مبنای

صفحه ۶

"همیشه بخشی از طبقه کارگر هست که به یک مبارزه تدافعی قانع نیست. که معتقد نیست حق واقعی خود را میتواند در نظام موجود بگیرد، فکر میکند که سرمایه داری باید جای خود را به سوسیالیسم بدهد، معتقد است وسائل تولید را باید از تملک طبقه

بمناسبت انقلاب کارگری اکتبر

مصاحبه با علی جوادی



این انقلاب را آنطور که بود به جامعه و نسلهای معاصر معرفی کرد. نه تنها میتوان و باید از انقلاب کارگری اکتبر یاد کرد. نه تنها باید ویژگیها و تاثیرات دیرپای

صفحه ۲

هستید که تفاوتهای بسیاری بین اوایل قرن بیست و امروز وجود دارد، این را شما چطور توضیح میدهید؟

علی جوادی: تمام دستگاه تبلیغاتی بورژوازی شبانه روز تلاش میکند تا این تجربه عظیم تاریخی را در زیر آواری از تحریف دفن کند. یاد آن را از خاطره ها محو کند. تاریخ را بازنویسی کند. و از رهبران این انقلاب سلب اعتماد کند. باید در مقابل این بازنویسی تاریخ انقلاب کارگری اکتبر ایستاد. باید

انقلاب کارگری: میخوام درباره واقعه ای با شما مصاحبه کنم که حدودا ۹۰ سال پیش دنیا را لرزاند و در طول قرن بیستم تاثیر تعیین کننده ای بر جهان داشت. منظورم انقلاب کارگری روسیه است. سوال من از شما این است که بعد از این همه سال آیا هنوز میتوان از انقلاب کارگری یاد کرد و آن را الگویی برای رهایی بشر قرن بیست و یکم دانست، خود شما کاملا واقف

مصاحبه با شهلا دانشفر درباره

آخرین وضعیت مبارزاتی کارگران پتروشیمی

خواست آنها پاسخی داده نشود در روز شنبه اول آذر ماه ساعت هفت صبح بعد از زدن کارت در محل کارخانه دست به تحصن خواهند زد و در روز دوشنبه سوم آذر ماه نیز برای پیگیری خواستهایشان دوباره در آمفی تاتر کارخانه تجمع خواهند داشت. همچنین در شرکت پتروشیمی در خارک کارگران بنا بر اولتیماتومی قبلی در روز دوشنبه ۲۶ آبانماه دست از کار کشیدند و با پریایی جمعی اعتراضی در

صفحه ۳

اعتراض دارند و خواهان تضمین اشتغال و امنیت شغلی خود در صنعت نفت هستند. آخرین اخبار اینست که روز ۲۸ آبانماه بیش از هزار نفر از کارگران پتروشیمی در اراک بار دیگر در سالن آمفی تاتر کارخانه دست به تجمعی اعتراضی زدند. در این روز کارگران معترض بسوی درب ورودی کارخانه راهپیمایی کرده و مدت دو ساعت در آنجا به تحصن نشستند. سرانجام کارگران اولتیماتوم دادند که اگر به



انقلاب کارگری: با تشکر از شما شهلا دانشفر که مصاحبه با ما را پذیرفتید، آخرین اخبار شما در رابطه با اعتراضات کارگران پتروشیمی علیه بیکارسازنها و انتقال به بخش خصوصی چیست؟
شهلا دانشفر: هم اکنون یکماه از اعتصاب و اعتراضات کارگران پتروشیمی میگذرد و این اعتراضات در میان کارگران پتروشیمی اراک، اصفهان و خارک همچنان ادامه دارد. کارگران پتروشیمی به لغو یک جانبه قراردادهای شغلی خود با صنعت نفت

بازخوانی کاپیتال مارکس

سخنرانی منصور حکمت

در انجمن مارکس لندن

فوریه ۲۰۰۱

صفحه ۶

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

نابود باد جمهوری اسلامی

سرود انترناسیونال

برخیز ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
آنگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند.
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
بر ما نبخشد فتح و شادی
نه شه، نه بت، نه آسمان
با دست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی امان
تا ظلم از عالم برویم
نعمت خود آریم به کف
دمیم آتشش را بکوییم
تا وقتی آهن گرم است
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها
تنها ما توده ی جهانی، اردوی بیشمار کار
داریم حقوق جهانیانی نه که خونخواران غدار
غرد وقتی رعد مرگ آور
بر دژخیمان و رهنزان
در این عالم بر ما سراسر
تابد خورشید نور افشان
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
انترناسیونال است نجات انسانها

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:

tavakoli@hotmail.com

نشریه انقلاب کارگری
را تکثیر و توزیع کنید!

ادامه بمناسبت انقلاب کارگری اکتبر

آن را بررسی کرد، دلایل شکست آن را شناخت، بلکه باید این تلاش عظیم را بمشابه الگو و اقدامی تاریخی برای رهایی انسان و برپایی جامعه آزاد سوسیالیستی سرلوحه فعالیت‌های طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری قرار داد. انقلاب کارگری اکتبر اقدامی تاریخی برای برپایی یک دنیای بهتر بود. نشان داد که دنیای فردا میتواند از محرومیتها و مشقات نظام سرمایه داری و کلیه نظامهای طبقاتی رها شود. در شرایطی که بورژوازی با تمام قوا میکوشد جبر و علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ کند. باید

طبقه کارگر جهانی در شرایط حاضر است. انقلاب اکتبر یک تلاش جهانی برای آزادی بشریت بود. اکتبر راه رهایی انسان را نشان داد.

انقلاب کارگری: ولی چرا شکست خوردند، چرا نتوانستند اهدافشان را عملی کنند؟ مگر حزب کمونیست روسیه از ابتدای انقلاب در ۱۹۱۷ تا زمان فروپاشی شوروی در قدرت نبود؟

علی جوادی: انقلاب اکتبر در مقابله با قدرت نظامی بورژوازی جهانی شکست نخورد. در ناروشنی و ابهام در چگونگی نابودی مناسبات سرمایه داری و لغو کار مزدی شکست خورد. انقلاب اکتبر نتوانست مناسبات کارمزدی



آمریکایی در جهان بیشتر غلبه نداشت. اما امروز در اکثریت عظیم جهان کار مزدی برای سرمایه به شیوه تامین معاش و گذران زندگی جامعه تبدیل شده است. این واقعیت بیانگر افزایش قدرت جهانی طبقه کارگر در شرایط حاضر نسبت به دوران انقلاب اکتبر است. علاوه کافی است نگاهی به اعتراضات کارگری بیندازید. تولید و توزیع چنان جهانی و بهم پیوسته شده است که تکان کارگر در گوشه‌های سرعت به سایر بخشهای جامعه منتقل میشود. یک نمونه کوچک: چندی پیش ده هزار کارگر بارانداز در غرب آمریکا دست به اعتصاب زدند. در عرض کمتر از یک هفته سیستم حمل و نقل جهانی در هنگ کنگ، چین و ژاپن و بخشهایی وسیعی در آمریکا بطور جدی مختل شد. وال استریت "خسارت" وارده به سرمایه را روزانه معادل یک میلیارد دلار برآورد کرد. این نمونه کوچک بیانگر قدرت عظیم

نشان داد که نه تنها امید و باور به اینکه دنیای فردا میتواند از مشقات و محرومیت‌های کنونی مبری باشد، نه تنها باید نشان داد که باور به تغییر جهان و ایجاد یک دنیای بهتر ریشم‌ای عمیق در افکار و زندگی توده های مردم دارد، بلکه باید نشان داد که تاریخ بشر تاکنون شاهد گامهای عظیمی بوده است که کارگر و کمونیسم برای نابودی این شرایط برداشته است. انقلاب کارگری اکتبر چنین جایگاه عظیمی در تاریخ تحولات اجتماعی دارد. اما همانطور که گفتید شرایط جهان در اوائل قرن بیست و یکم با دهه دوم قرن بیست متفاوت است. اما سؤال این است که آیا شرایط جهانی به ضرر انجام انقلابات کارگری و اجتماعی تغییر کرده است یا به نفع آن؟ درست است که بورژوازی از قدرتی مهیبی در مهندسی افکار عمومی جامعه برخوردار شده است.

و سرمایه داری را نابود کند و در انجام تحول اقتصادی در جامعه شکست خورد. این شکست در دهه ۳۰ میلادی قرن گذشته صورت گرفت. اکتبر توانست قدرت سیاسی را از آن طبقه کارگر کند. قادر شد حکومت کارگری را برپا کند. اما نتوانست مناسبات کار مزدی را لغو کند. مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع کنار زده شد. اما مالکیت اشتراکی جایگزین آن نشد. بلکه یک سرمایه داری دولتی بجای این مناسبات نشست. برنامه ریزی دولتی جایگزین "آناشی تولید" در نظام سرمایه داری شد. اما رابطه کار و سرمایه از میان نرفت. نقد سرمایه داری از زاویه کم و کاستی های تولید و توزیع سرمایه داری صورت گرفت. نه از زاویه مناسبات طبقاتی و حاکمیت سرمایه بر پرده تولید و توزیع. خصلت بورژوازی تولید اجتماعی کامکان دست

ادامه

آخرین وضعیت مبارزاتی کارگران پتروشیمی ها

محل کارخانه خواستهای خود را پیگیری کردند. کارگران منتظر پاسخگویی مقامات مسئول هستند و همچنان بر خواست خود مصرند. در پتروشیمی اراک کارگران از میان خود ۲۰ نماینده تعیین کرده اند تا بطور هرروزه خواستههایشان را پیگیری و آنان را در جریان پیشرفت کار قرار دهند. کارگران اراک منتظر سر رسید مهلت اولتیماتوم خود و پاسخ دولت هستند و هم اکنون اعتراض در سه شرکت پتروشیمی اراک، اصفهان و خارك با شدت بیشتری ادامه دارد.

انقلاب کارگری: تا همین امروز به نظر شما نقطه قوتها و ضعفهای مبارزه کارگران کدامها هستند؟

شهلا دانشفور: من فکر میکنم تا همین جا کارگران پتروشیمی قدمهای مهمی به جلو برداشته اند و بطور واقعی مبارزه آنها دولت را در تنگنای جدی قرار داده است. سه شرکت پتروشیمی خارك و اصفهان و اراک به بخش خصوصی واگذار شده و اکنون دولت باید تکلیف چند هزار کارگر در این سه شرکت را روشن کند. این در حالیست که آنها در همان ابتدای حرکت اعتراضی کارگران ناچار به عقب نشینی شدند و ناچار شدند اعلام کنند که کارگران پتروشیمی کماکان در استخدام نفت قرار دارند. حال اگر کارگران پتروشیمی در اعتراضات پیروز شوند، این پیروزی خود سرآغازی خواهد شد برای اعتراض دیگر بخش های نفت که عینا همین طرح

به کارگران نفت



است. زمان برای وسیع ترین و قاطعانه ترین دخالت طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران فرا رسیده است. اعتصاب سیاسی کارگران نفت در اخطار به رژیم اسلامی یک اقدام کارساز و حیاتی در شرایط امروز است.

منصور حکمت

۲۳ تیرماه ۱۳۷۸

طبقه کارگر ایران، بعنوان رهبر جامعه، رهبر سر سخت انقلاب، قد علم کرد. امروز نیز شیشه عمر این رژیم کثیف مذهبی، این حکومت اسلامی سرمایه، در دست شماست. همه میدانید که کارگر نفت ایران غول خفته ای است که اگر برخیزد، کل اردوی ارتجاع، با همه دستگاههای تبلیغاتی اش، حامیان بین المللی اش، ارتش و سپاه و اوباشش، سرنیزه ها و شلاقها و عمامه هایش، بسرعت یکسره خواهد شد.

اردوی آزادی و برابری و رهائی در ایران چشم بشما دوخته مبارزه آنها نیست و نقطه قوت آنها در بسیج هر چه بیشتر نیرو و جلب همبستگی دیگر بخش های کارگری است. شاید بتوان گفت یک کمبود مبارزات کارگران پتروشیمی جلب همبستگی کارگران دیگر بخشهای صنعت نفت است. البته این را بعنوان نقطه ضعفی بر حرکت آنها نمیگویم بلکه به عنوان یک نیاز میرم طرح میکنم. نیازی که بدون شک مشغله کارگران کمونیست و رهبران کارگری است و باید راهی برای آن جست.

انقلاب کارگری: بنظرتان کارگران در مبارزه شان چه کارهایی را باید بکنند و چه کارهایی را نباید انجام دهند؟
شهلا دانشفور: طبعاً اولین کار تداوم همین مبارزات است. یک تلاش دولت ایجاد تفرقه در میان کارگران است. باید تلاشهای آن را خنثی کرد.

رفقا!

آنچه در ایران امروز میگذرد یک حقیقت را بیش از هر چیز تاکید میکند. رژیم اسلامی رفتنی است. باید برود. این حکم مردم ایران است، حکم زنان ایران است، حکم همه کسانی است که برای آزادی و برابری و حرمت و رفاه انسانها در ایران دل میسوزانند. روند سرنگونی رژیم اسلامی آغاز شده است. و این شما را به میدان رهبری فرامیخواند. بیست سال قبل سقوط رژیم سلطنت وقتی مسجل شد که کارگر نفت، در راس کل

پیش میبرند، برای پیشبرد مبارزاتشان مشکلات و محدودیت های بسیاری دارند که اولیه ترین آن محرومیت کارگران از حق تشکل و حق اعتصاب است. نبود تشکل مانع بزرگی برای گسترش و سراسری شدن اعتراضات جاری است. کارگران پتروشیمی علیرغم تلاشها و تفرقه افکنی های دولت و مقامات و مسئولین تا همینجا درجه بالایی از اتحاد و همبستگی را از خود نشان داده اند و پافشاری و مصر بودن آنان بر سر خواستشان و ایستادگی شان در برابر فشار دولت امروز آنان را در موقعیت خوبی برای پیشبرد اعتراضاتشان قرار داده است. کارگران امروز فهمیده اند که اشکالی چون طومار نویسی و نامه سرکشاده به مقامات دادن و غیره بویژه در شرایط سیاسی کنونی پاسخگویی

ادامه

آخرین وضعیت مبارزاتی کارگران پتروشیمی ها

و متحد شدن کارگران باشد. معترض بکنند؟

شهلا دانشفر: یک تلاش رژیم در تقابل با مبارزات مردم و امروز به طریق اولی کارگران نفت اینست که از انعکاس وسیع اعتراض آنها در میان بخشهای دیگر جلوگیری کند و بتواند این اعتراضات را در انزوا نگاه دارد. با این کار تلاش میکند بطور فرسایشی جو ناامیدی را در میان کارگران حاکم کند و مبارزاتشان را عقب براند. بنابراین نفس انعکاس خبر اعتراض کارگران در سطح وسیع چه در داخل و چه در خارج کشور بسیار مهم است. باید ما بتوانیم صدای اعتراض کارگران پتروشیمی و دیگر کارگران را به همه نهادها و سازمانهای آزادیخواه در سطح بین المللی منعکس کنیم. باید بکشیم با انعکاس این اعتراضها و جلب همبستگی بین المللی بیشترین فشار را به رژیم اسلامی ایران وارد کنیم. امروز در شرایط سیاسی ایران بیشترین شرایط برای جلب همبستگی وسیع مردم از هر حرکت و اعتراضی هست، نباید بگذاریم حرکات و اعتراضات کارگری در انزوا قرار بگیرند و عقب رانده شوند. باید علیه مدیای جهانی که همواره نقش سانسورگر صدای اعتراض مردم و کارگران در ایران را داشته اند اعتراض کنیم و صدای کارگران را به همه بخش های جامعه و در سطح بین المللی منعکس کنیم.

با مقامات شده و تا روشن شدن سرنوشت تک تک کارکنان پتروشیمی دست از حرکت متحد و پافشاری خود بر سر خواستههایشان بر ندارند. برپایی منظم مجامع عمومی کارگری، تصمیم گیری در این مجامع و پیگیری تصمیماتی که در این مجامع اتخاذ میشود و پافشاری بر روی خواستها و مطالبات، امروز آن حلقه کلیدی در قدرت بخشیدن به مبارزات کارگران پتروشیمی و خنثی کردن تفرقه افکنی در میان آنانست. اقدام مهم دیگر تلاش برای جلب همبستگی کارگران در دیگر بخش های نفت به این حرکات اعتراضی است. امروز کارگران کمونیست و رهبران کارگری نقش مهمی در متحد نگاهداشتن کارگران و جلب وسیعترین همبستگی کارگری در میان بخش های مختلف کارگری را بر عهده دارند.

انقلاب کارگری: بنظر تان چگونه باید سرکوب رژیم را خنثی کرد و چگونه بخشهای دیگر کارگران صنعت نفت را به حمایت از این مبارزات وارد نمود؟

شهلا دانشفر: همانطور که در سوال قبل اشاره کردم رژیم تلاش میکند که ابتدا کارگران را متفرق کند و بعد سرکوب کند. بنابراین اولین کار خنثی کردن تلاشهای آن برای متفرق کردن کارگران است. برای این کار باید متحد و متشکل عمل کرد. من بر نقش مجامع عمومی منظم کارگری تاکید کردم. مجامع عمومی کارگری باید همچنان محلی برای بحث بر سر سیاستهایی که از سوی دولت و مقامات به اجرا گذاشته میشود و تصمیم گیری در مورد گامهای بعدی مبارزه

کارگران و پوشک

بنا به گزارش رویتر مدیران فروشگاههای زنجیره ای در شهری در آرژانتین مشکل توالت رفتن کارگران را حل کرده اند. آنها کارگران را مجبور میکنند که پوشک بپوشند تا مجبور به رفتن به توالت موقع کار نشوند. بنا به گفته یکی از مقامات یک اتحادیه کارگری، زنان فروشنده در استان غربی «مندوزا» در آرژانتین باید پوشکهای مخصوص اشخاص بالغ را بپوشند تا اگر از سرما، عصبیت، فشار کار و مثال اینها باعث تحریک ادرار شود مجبور به توالت رفتن نشوند. یورگه کوردوا مقام اتحادیه ای که این خبر را به آژانس خبری اعلام کرد گفت که فروشگاه زنجیره ای که این اقدام را در دستور گذاشته با کمک سرمایه خارجی کار میکند. او گفت «تصور این مشکل است که در خط فروشی که ۲۰ زن کار میکنند همگی برای مدت هشت ساعت پوشک می بندند» ساندر وارا یکی از مقامات اتحادیه که در مورد این جریان در حال تحقیق است میگوید «من در ۱۷ سالی که بعنوان مدافع حقوق کارگران کار میکنم هرگز پدیده ای به این زمختی مشاهده نکرده بودم»

از ویلاگ آزادی بیان <http://azadibayan.blogspot.com>

با نشریه انقلاب کارگری
همکاری کنید.

ما منتظر اخبار، مقالات،
نظرات، خاطرات و
پیشنهادات شما هستیم.



تشکر

با تشکر از همه دوستان و رفقای
که از طرق تلفن و ای میل انتشار
انقلاب کارگری را تبریک گفتند.
دست تان را بگرمی میفشارم و به
امید نشریه ای موفق و موثر در
جنبش کارگری.

یک دنیای بهتر
را بخوانید!

ادامه

بازخوانی کاپیتال مارکس

مقایسه با آن چیزی که در این کتاب گفته شده از نظر علمی میگویم. نه بخاطر اینکه رفیق مارکس هستیم دوستش داریم بطور اژکتیو همانطور که آن صاحب صنعت سرمایه دار میتواند نگاهش کند این کتاب خیلی علمی تر است. ولی جنبه انقلابی انتقادی اش مانع میشود که این برود تو دانشگاه به آن صورت که باید برود در دانشگاه. از نظر خود مارکس دو جنبه علمی و انقلابی همانطور که گفتم با هم تنیده شده یک پیکره واحد ادبیاتی، سیاسی و اقتصادی را میسازد ولی یک درجه اینجا برایتان تفکیک میکنم عناصر مارکسیسم بعنوان یک تفکر علمی، تحلیلی که جهان را توضیح میدهد با عناصر مارکسیسم که بعنوان تفکر انتقادی، انقلابی میخواهد جهان را تغییر بدهد و اینها هر دو را بعدا جایگاهشان را در سرمایه در رابطه با این دو برداشت از مارکسیسم بگویم که این کجای آن قرار میگیرد و بنظر این جنبه دومش خیلی مهم است جنبه پراتیکی انقلابی تئوری مارکسیسم و جایگاه کاپیتال در آن. بگذارید اول در جنبه اثباتی و علمی اش صحبت کنیم. آن چیزی که همه میگویند همه فکر میکنند که کاپیتال را باید بخاطرش خواند. کاپیتال را بخوانیم تا ببینیم که مارکسیسم چه است. کاپیتال را بخوانیم ببینیم که مارکس راجع به اقتصاد سرمایه داری چی گفته، کاپیتال را بخوانیم ببینیم متد مارکس در تحلیل جامعه چی است، این جنبه، جنبه واقعی مارکسیسم است. بله باید کاپیتال را خواند تا فهمید که مارکس چه گفته. این جنبه علمی و باصطلاح اثباتی تئوری مارکس آنچیزی است که ما تاریخا بهش گفتیم نگرش ماتریالیستی به تاریخ. ماتریالیسم تاریخی. نحوه ای که مارکسیسم جهان را نگاه کرده یک جهان نگری مارکسیستی نظریه ماتریالیستی تاریخ و اینها

اساسا در کتاب ایدولوژی آلمانی بحث شده. اگر شما وقت دارید در زندگیتان دو صفحه از مارکس را بخوانید من پیشنهاد میکنم این دو صفحه را بخوانید. مطلبی است در پیشگفتار و در نقد اقتصاد سیاسی. بنظر من این ۲ صفحه مهمترین تئوری کمونیسم است. پیشگفتار به نقد اقتصاد سیاسی در سال ۱۸۵۷ همراه با کتابی به اسم نقد اقتصاد سیاسی در افزوده ای به نقد اقتصاد سیاسی منتشر شد که اولین سه تا فصل کاپیتال را که بعدا میخوانید این همان کتاب است و کاپیتال امتداد آن است. بگذارید این را برایتان بخوانم و ترجمه اش را همین جا بکنم. مانند متن انگلیسی به آن روانی که دوست داشتم حتما نخواهد بود. مارکس دانشجوی حقوق، فلسفه و غیره بوده و زیاد تجربه ای میگوید اگرچه حقوق رشته تحصیلی من بود رشته ویژه مطالعه من بود به عنوان بخشی از تاریخ و فلسفه، حقوق را دنبال میکردم. در سال ۱۸۴۲ و ۴۳ بعنوان ادیتور رایننش زایتون اولین بار خودم را در یک موقعیت عذاب آوری پیدا کردم که مجبور بشوم راجع به اقتصاد سیاسی حرف بزنم. و آن بخاطر این بود که مجلس راین داشت راجع به دزدی چوب از جنگل یک قوانینی میگذراند. کشاورزان و فقرا میرفتند از جنگل چوب برمیداشتند برای خودشان. داشتند قانون میگذاشتند راجع به مساله چوب و بحثهایی راجع به این مساله شده بود علیه روزنامه رایننش زایتون در مورد موقعیت دهقانان موزل. مارکس آنجا میفهمد که باید برود اقتصاد سیاسی بخواند. با این بحثهایی که راجع به حقوق، تاریخ و فلسفه خوانده نمیشود جواب بحث دزدی چوب و وضع دهقانان موزل را داد و به روزنامه اش دارند حمله میکنند بر سر موضعگیری. میگوید اولین

کاری که کردم این بود که تردیدهایم را در مورد هگل تصفیه حساب بکنم. در مورد فلسفه هگل راجع به حقوق. راجع به قانون. یعنی اول یک چیزی نوشت راجع به نقد فلسفه حق هگل. گفت این را من نوشتم و متن حسابی اقتصادی از آب در آمد. به اسم دستنوشته های پاریس یا دستنوشته های اقتصادی - فلسفی این را چاپ میکنند سال ۱۸۴۴. میگوید مطالعات من، مرا به این نتیجه رساند که نه روابط حقوقی و نه اشکال سیاسی را نمیشود به اعتبار خودشان فهمید یا بر مبنای توسعه عمومی شعور و ذهن بشر. برعکس اینها را باید از شرایط مادی زندگی آدمها از آن مجموعه ای که هگل به آن میگوید جامعه مدنی از این در آورد. که آنتومی و استخوانبندی جامعه مدنی باید در اقتصاد سیاسی آن جامعه جستجو شود. این نتیجه ای است که مارکس گرفته بعد از اینکه دنیا چه خبر است و تاریخ چه است و فلسفه چی است رفته کتاب خوانده و میگوید نه نمیشود از حقوق شروع کرد و راجع به فلسفه حرف زد. راجع به جامعه نمیشود حرف زد بدون اینکه اول راجع به اقتصاد سیاسی اش حرف بزنیم. همه اینها ریشه اش در اقتصاد سیاسی و شرایط مادی آن جامعه است. میگوید مطالعه این را در پاریس شروع کردم بعد رفتم در بروکسل ادامه دادم و وقتی پلیس بدنالش بود رفته بروکسل دوباره این کتابش را با خودش برده و خوانده و به این نتیجه رسیده که این مهمترین فصل به نظر من که وقتی به این نتیجه رسیده دیگر این چراغ راه تمام زندگی فکری من شد و این نتیجه اش را میخواهد اینجا خلاصه کند. من اینجا برایتان میخوانم. میگوید در تولید اجتماعی زندگی شان و در تلاش بازتولید اقتصادی و مادی زیستشان، انسانها بطور

ناگزیر وارد روابطی میشوند که مستقل از اراده آنهاست و این روابط روابط تولیدی هستند که در هر مقطع در هر دوره وجود دارد. میگوید آدمها برای زنده ماندن و برای وجود داشتن مستقل از اراده شان در هر دوره وارد یک روابط اقتصادی میشوند. مناسبات تولید زیربنای اقتصادی جامعه را تشکیل میدهد آن بنیاد واقعی که بر مبنای آن روینای حقوقی، سیاسی بنا میشود و تمام اشکال شعور اجتماعی با این تطبیق پیدا میکند. یعنی میگوید بشر وارد مناسبات تولیدی میشود در هر دوره در یک مناسبات تولیدی چشم باز میکند به آن وارد میشود

ادامه کارگران نفت و انقلاب آتی

کارخانه فروخته شویم ما کارگرم و با صنعت نفت قرارداد داریم. کارگران همچنان به اعتراضات خود ادامه میدهند و در هفته ای که در پیش داریم دو تجمع اعتراضی دیگر را تدارک دیده اند.

واقعیت این است که کارگران نفت وارد عرصه جدیدی در مبارزه شان با جمهوری اسلامی شده اند. پیروزی و شکست در این دور مبارزه بر آینده جنبش کارگری و کل جامعه تاثیر بسزایی دارد. پیشرویی در این عرصه، کارگر نفت را با خواستهای بحق و فوری اش به جلوی صحنه سیاست می کشاند. اما این پیشروی در گرو به میدان آمدن بخشهای بیشتری از کارگران صنعت نفت میباشد. دامن زدن به جنبش مجامع عمومی و تشکیل شوراهای کارگری و مرتبط کردن و منظم برپا کردن این جمعها، مطرح کردن خواستها و مطالبات سراسری، آن کلیدهای اصلی است که کارگران را یک قدم بزرگ بطرف رهایی از کار بردگی میبرد.

جمهوری اسلامی در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفته و روزهای طوفانی را در پیش دارد. در سطح بین المللی تحت فشار است و مردم آزادیخواه جهان به وجود این رژیم جنایتکار حساس شده اند و دولتهای غربی با نوبل میخواهند خطر انقلاب را به او یادآوری کنند. از طرف دیگر ۱۶ آذر در پیش است، این روز میتواند روز گسترش مبارزه مردم با این اوباشان باشد.

در این میان اما نقش کارگران نفت میتواند تعیین کننده باشد. اعتصاب در صنعت نفت و حمایت از همکارانشان در پتروشیمی ها آن تعرض تعیین کننده است که رژیم اسلامی را به سرعت به زانو در میآورد نه تنها در مقابل خواستهای کارگران نفت بلکه در مقابل کل جامعه. با اعتصاب سراسری در صنعت نفت کارگر نفت میرود که یکبار دیگر به رهبر انقلاب آتی ایران بدل شود، انقلابی که اینبار رنگی کارگری و سرخ دارد. به استقبال این انقلاب برویم.

از سایت کارگران دیدن کنید

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

ادامه

منصور حکمت و انقلاب کارگری!

کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است. کمونیسم کارگری از این مبارزه طبقاتی سر بر می‌کند. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون استثمار است. برنامه یک دینی بهتر! انقلاب در متن این تقابل جایگاه ویژه و تعیین کننده ای دارد. انقلاب کارگری آن جدالی است که بر مبنای آن موقعیت کارگر و کل جامعه در معرض تغییری بنیادی قرار می‌گیرد. انقلاب کارگری انقلابی رهایی بخش است. انقلاب کارگری آن قطب نمایی است که بر مبنای آن تلاش بخش معینی از طبقه کارگر، برای فراخواندن کل طبقه جهت تغییر پایه ای جامعه سازمان یافته و جنبشی حول آن شکل می‌گیرد که منصور حکمت آن را جنبش سوسیالیسم و یا کمونیسم کارگری نام نهاده است. انقلاب کارگری شیوه و روش طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و تصرف قدرت سیاسی است. انقلاب کارگری محصول و مخلوق جنبش سوسیالیسم است. انقلاب کارگری شایسته نیست، به عکس، حزب، خود یکی از ابزارهای کارگران سوسیالیست و کمونیست برای رهبری این انقلاب و ضمانت پیروزی آن است. حزب ستاد رهبری انقلاب، ظرف اتحاد و تشکل کارگران کمونیست برای برپایی انقلاب کمونیستی است. حزب ابزار جنبش سوسیالیستی کارگران برای تصرف قدرت و شورا ابزار اعمال قدرت و اراده کارگران و مردم و در عین حال شکل و ضمانت نفی قدرت و زوال دولت بطور کلی است. از همین رو، هم حزب کمونیستی و هم شورا خود جزو سنن و خصوصیات پایه ای جنبش سوسیالیستی و کمونیستی و ضرورت‌های انقلاب کارگری و پیروزی آن محسوب می‌شوند. بیهوده نیست که در کل تاریخ مبارزه طبقه کارگر، در تاریخ انقلابات کارگری، نقش و جایگاه هر دو این ابزارهای مهم از کمون تا اکتبر نقشی تعیین کننده، تحکیم و تثبیت شده است.

خود انقلاب اما، محصول جدال دائمی و آشتی ناپذیر میان اردوی کار و سرمایه است.

"مبارزه علیه سرمایه داری و برای جایگزینی آن با سوسیالیسم از طریق یک انقلاب کارگری، یک افق زنده و جا افتاده کارگری است و یک سنت مبارزاتی در درون طبقه کارگر را تعریف می‌کند. تئوری و خودآگاهی این جنبش می‌تواند دقیق یا نادقیق، درست یا نادرست باشد، اما این طیف و این گرایش در جنبش کارگری، بهر حال همیشه وجود دارد که می‌خواهد و دائماً تلاش می‌کند کل طبقه را به این سمت بکشد. اولین وجه تمایز ما این است که می‌گوییم کمونیسم، سوسیالیسم و حزب کمونیست کارگری بر بستر چنین مبارزه واقعی و چنین تلاش عینی ای در این جامعه در درون خود طبقه کارگر هر چند گاه محدود و ضعیف شکل می‌گیرد." (توضیح مبانی کمونیسم کارگری، حکمت، جلد هشتم آثار) همانگونه که سرمایه داران، مالکان وسائل تولید و دولت حافظ منفعت آنها به میل خود دستمزد کارگران را افزایش ندهد و ساعات کار را بدون تعرض به سطح معیشت کارگران پایین نمی‌آورند، همانگونه که طبقه کارگر ولو برای تحمیل کمترین مطالبات خود به اعتراض و اعتصاب محتاج است، همانگونه هم، میل به برپایی انقلاب کارگری یک میل و اشتیاق و تلاش دائمی بخشی سوسیالیست در درون طبقه کارگر است که مگر با الغای کار مزدی و درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی آزادی کارگران و جامعه را معنی نمی‌کند. شناخت و متکی شدن به این سنت و افق، حزب کمونیست کارگری را به حزب رهبر انقلاب و در برگیرنده رهبران عملی قیام و خیزش و انقلاب کارگری بدل خواهد کرد.

"بورژوازی به زبان خوش دست از قدرتش بر نمیدارد و بساط استثمارش را جمع نمی‌کند. پس باید انقلاب کرد. حکومتی کارگری بقرار ساخت که مقاومت استثمارگران را در هم شکند و راه را برای جامعه بدون استثمار و لاجرم بدون نیاز به هیچ نوع حکومت و ستم و خرافه باز کند. برای کارگر کمونیست انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن این تحول عظیم اجتماعی. مبارزه برای آزادی، برابری،

حکومت کارگری." (مقاله کارگران و انقلاب از سایت کارگران و بنیاد حکمت) در مبارزه حزب کمونیست کارگری و جنبشی که منصور حکمت آن را رهبری و هدایت می‌کرد، مکان انقلاب در پروسه مبارزه برای کسب قدرت سیاسی و برپایی جمهوری سوسیالیستی، یکی دیگر از مهمترین وجوه تمایز کمونیسم قبل و بعد از منصور حکمت در قرن اخیر است.

اگر لنین و نسل بلشویک‌های ماقبل او را بر اساس فراخوان لنین و تلاشش برای سازماندهی انقلاب کارگری میتوان از منفعلین انترناسیونال دوم و چپ ماقبل او متمایز کرد، تمایز منصور حکمت و کمونیسم کارگری به طریق اولی با کلیه جنبشهای چپ ماقبل وی "کمونیسمهای رایجی" که به قول خود او سالها بود در نتیجه و بر مبنای عروجشان بر متن شکست انقلاب اکتبر، فراخوانی به تغییر جامعه نداشتند، خود به مفسرین و توجیه گران وضع موجود بدل شده بودند، تمایزی است میان تلاش برای تغییر جهان وارونه در تقابل با جنبشهای اجتماعی و سیاسی حفظ وضع موجود و توجیه آن. تفاوت مارکسیسم و کمونیسم منصور حکمت نیز در همان سخن درخشان مارکس بود که مارکسیسم علم تفسیر جهان موجود نیست، بلکه ابزار تغییر آن است. انقلاب کارگری معنی و مفهوم تلاش برای تغییر است. منصور حکمت این آرمان بنیادی سوسیالیسم کارگری را نیز از زیر آوار تحریفات کمونیسم بورژوازی بیرون کشید، به مقابله سیاسی و فکری، ایدئولوژیک و عملی با این تحریفات برخاست.

منصور حکمت جسورانه ادعا کرد که ولو در شرایط شکست انقلاب اکتبر و تحمیل ضربات بسیار سنگین بر کل طبقه کارگر جهانی، در اعماق زندگی و مبارزه این طبقه جنبشی وجود داشته و دارد که با یک تلاش اجتماعی دائم، در تمام طول دو قرن نوزده و بیست دست از فراخوان برای برپایی انقلاب کمونیستی و مبارزه برای لغو استثمار و کار مزدی بر نداشته است. منصور حکمت ثابت کرد که طبقه کارگر نمیتواند به کار مزدی و استثمار رضایت دهد. که این تلاش

دائمی مداوماً در جریان است و احزاب سیاسی بر مبنای این تلاش و این اعتراض شکل می‌گیرند. منصور حکمت درست در شرایطی که چپ جهان معاصر مقهور وضع موجود شده بود، کمونیسم و انقلاب کارگری برای تغییر جهان را اتوبی قلمداد می‌کرد، یا حتی نهایتاً "انقلابیگری بورژوازی" خود را خلاصی از استبداد، کسب استقلال اقتصادی، برنامه ریزی و بهبود سطح تولید و توزیع به اصطلاح "عادلانانه تر" ثروت و غیره معرفی می‌کرد، یا پارلمانتاریسم بورژوازی و دمکراسی پوشش آن را قطب نمای تلاش مردم معرفی می‌کرد، ادعاینامه جنبش سوسیالیستی کارگران شد در مقابل کل نظام سرمایه داری و جنبشها و احزاب مدافع آن. اعلام کرد که سوسیالیسم یعنی لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی. اعلام کرد که کمونیسم او مدعی قدرت سیاسی برای برپایی سوسیالیسم است. مرزی محکم میان اعتراضات روشنفکران طبقه سرمایه دار با اعتراض و نه ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر و انقلاب کارگری کشید. اعلام کرد که راه تغییر این جهان وارونه انقلاب کمونیستی و برقراری حکومت شوراهای کارگری است. اعلام کرد که رسیدن به سوسیالیسم تدریجی نیست، خط بطلانی بر تمامی تئوریه و جنبشها و احزاب سیاسی کشید که با مرحله ای کردن انقلاب به دمکراتیک و سوسیالیستی هدفی جز بقای وضع موجود در چهارچوب مناسبات سرمایه داری ندارند. افق و سیاستهای این جریان را افشاء کرد. اعلام کرد که هیچ زمانی جامعه آماده این چینی تغییر نیوده که امروز شاهد آن هستیم، برای برطرف کردن موانع سیاسی، تحزب و تشکل جنبش کمونیسم کارگری دست به تلاش گسترده زد. منصور حکمت اولین مارکسیست انقلابی و رهبر کمونیسم کارگری قرن حاضر است که تئوری انقلاب مرحله ای را که خود در عرض دهه های متوالی، بویژه در کشورهای اختناق زده یکی از موانع سیاسی پیشروی و برپایی انقلاب کارگری بود، همه جانبه مورد نقد و تعرض سیاسی و فکری قرار داد. احزاب سیاسی چپ ایران و پلانفرمهای سازش کارانه و پوشش دمکراسی ریاکارانه

منطق با آن را رسوا کرد. به لیبرالیسم چپ و کمونیسم پارلمانتاریستی تعرض کرده و آن را افشاء کرد.

منصور حکمت فراخوانی بود به برپایی انقلاب کارگری علیرغم تحمیل شکست به آن در اکتبر، علیرغم اینکه پایان تاریخ، اگر مبنای آن را انقلاب و جدال میان کارگر و سرمایه دار بگیریم، اعلام شده بود. منصور حکمت برای نمایندگی کردن این جنبشی که در طول دهه ها نمایندگی نشده بود، به پاخاست. منصور حکمت سیاست را در روزمره ترین شکل آن نیز بر مبنای چند و چون تقابل و جدال اصلی میان این جنبش با صف و اردوی مقابل می سنجید. منصور حکمت مداوماً تأکید می‌کرد که در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی، در پروسه مبارزه دخالتگرانه و فعال برای بهبودی ولو جزئی و اصلاحات در زندگی و معیشت کارگران و مردم، ما چشم به فراهم آوردن ملزومات برپایی انقلاب کارگری و تغییر بنیادی جامعه دوخته ایم. انقلاباتی را که صرفاً بر علیه استبداد و یا تجدید سازمان مناسبات اقتصادی و سیاسی سرمایه داری به رهبری بخشی از خود طبقات و جنبشهای حاکم در دهه های گذشته صورت گرفته بود نیم بند و دروغین نامیده، از انقلاب کارگری دفاع و سخن گفت.

منصور حکمت در آخرین مبحث خود در باره توضیح ملزومات و شرایط پیروزی کمونیسم در ایران تأکید کرد که در اولین روز سرنگونی رژیم اسلامی و قدرتگیری کمونیسم، کار مزدی را لغو اعلام می‌کنیم. اقدامات فوری اقتصادی را برای برپیدن بساط مالکیت خصوصی و بازار برشمرده، اقدامات سیاسی مستلزم و مکمل آن را یادآوری می‌کرد.

منصور حکمت بویژه در مبحث متحول کننده خود در باره حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی بطور روشنی بر جایگاه و مکان انقلاب به عنوان مکانیسم داده شده جامعه معاصر انگشت گذاشت. تأکید کرد که اگر جریانی کمونیستی مدعی کسب قدرت در جامعه ای معین است، باید مکانیسمهای تغییر خود این جامعه را و از جمله انقلاب را بشناسد و به آن وصل شود. مکان حزب را در مبارزه طبقه

ادامه

بمناسبت انقلاب کارگری اکتبر

نخورده باقی ماند و سپس بطور گسترده‌ای ابقاء شد. منصور حکمت در بحثی درخشان پیرامون تجربه شوروی دلایل شکست اکتبر را به تفصیل بررسی کرده است. از خوانندگان شما خواهش میکنم برای بررسی دقیقتر به مطالعه این رساله در سایت منصور حکمت طرچ، ک، ح، ط، ص، ذ، ط، م، م رجوع کنید. این شکست مبنای شکستها سیاسی بعدی طبقه کارگر شد. بهترین رهبران و فعالین کمونیسم کارگری به مسلخ رانده شدند.

آنچه در شوروی از اواسط دهه ۳۰ به بعد حاکم بود ربطی به طبقه کارگر و کمونیسم کارگری نداشت. به اسم کارگر و کمونیسم بود. اما کمونیسم و کارگر حاکم نبود. ضد انقلاب حاکم نمیتوانست قالب دیگری برای بقاء سرمایه داری در کشوری که یک انقلاب عظیم کارگری را از سر گذرانده است بخود بگیرد. تجربه حکومت تیره و دیکتاتوری شوروی را نباید به پای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری نوشت.

انقلاب کارگری: من نتیجه یک نظرسنجی که حدود یکماه پیش در مسکو انجام گرفته بود را میخواندم و موضوع این بود که اکثریت سوال شونده ها از بلشویکها دفاع میکردند و این برایم جالب بود که بعد از گذشت سالها از انقلاب اکتبر و بعد از اینکه مردم حکومت باصطلاح «کمونیستی» آنجا را پشت سر گذاشتند و به یلتسین ها رای دادند چه شده که دوباره از بلشویکها دفاع میکنند؟ علی جوادی: مردم حق دارند تا از بلشویکها دفاع کنند. چرا که تغییراتی که بلشویکها در زندگی مردم ایجاد کردند چنان پایدار و همه جانبه بود که حتی حکومتی که بعدها به نام انقلاب اکتبر بر مردم حکومت کرد نتوانست تمامی تاثیرات و توقعات ایجاد شده از این حرکت عظیم تاریخی را از زندگی مردم حذف کند. اینکه بیمه بیکاری حق مردم است. اینکه بهداشت مجانی حق مردم است. این مسکن رایگان حق مردم است. اینکه کودک انسان است و اینکه سالمند انسان است و

باشد. تمام تلاش ما باید متوجه این باشد که این انقلاب آتی ایران انقلابی کارگری باشد. تنها یک انقلاب کارگری پیروزمند میتواند به کثافات و مصیبتهای فعلی جامعه سرمایه داری پایان بخشد. تنها انقلاب کارگری قادر خواهد بود این جامعه وارونه را از قاعده‌اش بر زمین گذارد. این امر انقلاب کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است. تنها انقلاب کارگری قادر است جامعه‌ای را بنا نهد که به هر کس به اعتبار انسان بودن و چشم کشودن به جامعه انسانی به یکسان امکان استفاده از تمامی مواهب زندگی و تلاش دسته جمعی بشریت را بدهد. تنها انقلاب کارگری قادر خواهد بود هویت جهانشمول انسانی را جایگزین هویت‌های کاذب قومی و ملی و مذهبی و نژادی و طبقاتی کند. تنها انقلاب کارگری قادر خواهد بود جامعه‌ای بدون خرافه، بدون جهل، بدون زنجیر اسارت و اخلاقیات کهنه را ایجاد کند.

اما دلایل معین و روشنی بیانگر عدم تشکل و تحزب طبقه کارگر در ابعاد میلیونی هستند. ماشین آدمکشی و سلاخی سرمایه و اسلامی را اساساً برای مقابله با تلاشهای طبقه کارگر حدادی کرده‌اند. نمیتوان در شرایط خفقان و استبداد وحشیانه انتظار دیگری داشت. اما امروز برخلاف دوران ۵۷ طبقه کارگر در عرصه جدال قدرت سیاسی نمایندگی میشود. دارای حزب سیاسی خود است. طبقه کارگر حزب کمونیسم کارگری را دارد. حزب کمونیست کارگری نماینده گرایش سوسیالیستی کارگر در جدال بر سر سرنوشت آتی جامعه و سهم انسانها از زندگی است. آمریکا و اروپا نمیگذارند! آیا

انقلاب کارگری: همه از وقوع انقلاب در ایران سخن میگویند، آیا انقلاب آتی ایران میتواند انقلابی کارگری باشد، با توجه به اینکه کارگران تشکلی ندارند و به لحاظ سیاسی تحزب یافته نیستند و از همه مهمتر اروپا و آمریکا نمیگذارند؟ علی جوادی: انقلاب آتی ایران باید انقلابی کارگری باشد. تنها طبقه کارگر در این دوران طبقاتی انقلابی است. تنها طبقه کارگر طبقه ای است که با آزادی خود بشریت را از قید و بند تمامی بندهای اسارت نظام سرمایه داری آزاد خواهد کرد. تنها طبقه کارگر میتواند پرچمدار مبارزه‌ای همه جانبه برای آزادی و برابری انسان و سوسیالیسم

ادامه

منصور حکمت و انقلاب کارگری!

کارگر و رهبری انقلاب کمونیستی، از اینجا نتیجه میگرفت که پیروزی و عدم پیروزی، شکست یا موفقیت را هیچگاه جبری نمیدید. حزب کمونیست کارگری را آن قلب و مغزی در جنبش میدید که در نتیجه روشن بینی فکری و تئوریک، پراتیک سیاسی و اجتماعی آن، این تلاشهای دائمی موجود یا به پیروزی میرسد و یا در نتیجه قصور، تفوق افق و سیاستهای جنبشهای دیگر و عدم آمادگی برای تقابل با آن به یغما برده میشود. منصور حکمت در طول حیات سیاسی خود مداوماً در تلاش برای جارو کردن موانع سیاسی و عملی پیشاروی انقلاب کمونیستی و برپایی یک جهان بهتر بود. در تلاش برای عروج حزب به موقعیت رهبر انقلاب کارگری، مدعی تصرف قدرت سیاسی و برپایی جمهوری سوسیالیستی بود.

منصور حکمت متفکر انقلابی مارکسیست قرن حاضر با شناخت و توضیح مکان انقلاب کارگری ایران در تأمین اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر و انترناسیونال کمونیستی ثابت کرد که برافراشتن پرچم سوسیالیسم از طریق برپایی انقلاب کارگری و تصرف قدرت در ایران، مارکس را دوباره بدینا برخواهد گرداند، راه شکل گیری بلوک کمونیستی کارگری جهان امروز بر مبنای تلاش جنبش کمونیسم کارگری در ایران را، تعرض طبقه کارگر ایران برای درهم شکستن کل ماشین دولتی میدید. او خط بطلانی بر همه تشوریهای پواسیفیستی به ظاهر انترناسیونالیستی کشید و بدینگونه تاریخ ما را به مارکس، به کمون، به لنین و اکتبر وصل کرد. آن چه امروز راهنمای تلاش روزمره حزب ما بر مبنای اندیشه و عمل منصور حکمت است این است که:

اما آن انقلاب عظیم کارگری که باید این جامعه آزاد را متحقق کند، بمجرد اراده حزب کمونیست کارگری رخ نمیدهد. این یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد، موانع گوناگونی باید از سر راه کنار زده شوند. این تلاش فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری و مضمون فعالیت هر روزه آن را تشکیل میدهد. (جلد هشتم، توضیح بنیادهای کمونیسم کارگری)

هیچکس تردید ندارد که حکومت و اقتصاد سرمایه داری در ایران دچار یک بحران عمیق است و جامعه ایران در آستانه تحولات سیاسی تعیین کننده ای قرار گرفته است. دیر یا زود جدال طبقات اجتماعی در ایران اوج تازه ای خواهد گرفت. احزاب و نیروهای بورژوازی، چه در داخل حکومت اسلامی و چه در خارج آن دارند خود را برای زور آزمایی نهایی آماده میکنند. این بار ما باید تضمین کنیم که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل زیر پرچم خود و با آرمان انقلاب کارگری به میدان خواهد آمد. این کار عملی است. (انقلاب و کارگران)

در کنگره چهارم

حزب کمونیست کارگری ایران

شرکت کنید

Tel: 00 44(0) 7815 902 237

Fax: 001 2532 703 362

e.mail:

congress_4@yahoo.co.uk

بازخوانی کاپیتال مارکس

سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس لندن - فوریه ۲۰۰۱



برنامه درسی دانشجوی اقتصاد تو دانشگاههای دنیا تو اروپای غربی کاپیتال جزو ریدلیست طرف نیست، جزوه لیست کتابهایی که باید بخواند نیست مگر یک استاد چپی خودش همت کند و این را بگذارد در آنجا که دو تا سه تا فصلش را به مردم یاد دهد. کاپیتال میروند کنار در صورتی که از نظر علمی جایگاه علمی این کتاب خیلی قویتر از این حرفهاست. وقتی این کتاب را میخوانی و بعد تزهایی فیزیوکراتها اقتصاددانانهای کلاسیک اسمیت، ریکاردو یا نئوکلاسیکها اقتصاددانهای بعدش مارشال به این طرف کسانی که اقتصاد امروز روی دوشان است. کنزی این ها و غیره را میخوانی بچه بازی بنظر میآید. حرفهای اقتصادی اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک و بعد از آن در صفحه ۵

به تضادهای ذاتی سرمایه داری میگویند راست میگفت. اگر سرمایه داری بنشیند و کاپیتال را بخواند نظام اقتصادی خودش را بهتر می فهمد منهای آن جنبه انقلابی، سلبی و پراتیکی کمونیسم که این کتاب جایگاهش را درش میگویم اگر آنرا از مارکسیسم در بیاورید. اگر ممنوع بشود جنبه انقلابی مارکسیسم اگر میشد اینها را عملاً از همدیگر جدا کرد آن یکی را یکجایی دور انداخت و جنبه علمی اش را نگهداشت این کتاب مهمترین کتاب درسی اقتصاد قرن بیست در دانشگاهها می شد. علت اینکه نمی گذارندش آنجا این است که اگر آن را بیاورند آن یکی بحث هم با آن میآید و جنبه انتقادی مارکسیسم جنبه پراتیکی و انقلابی مارکسیسم هم با این کتاب میآید. در نتیجه اینها نمی خوانند. میگذارند در کتابخانه ولی نمیگذارند توی

علمی، تحلیلی، اثباتی. یک وجه علمی و اثباتی میشود در مارکسیسم سراغ کرد و یک وجه نفعی، سلبی، نقدی و پراتیکی انقلابی. این دو وجه در مارکسیسم راجع به یک پیکره از ادبیاتش داریم حرف میزنیم این دو تا وجه را درش در آن واحد می بینیم و ترکیب این دو تا با هم است که مارکسیسم را میسازد. بدون آن جنبه انقلابی - انتقادی و پراتیکی کمونیسم و تئوری مارکسیسم وجه علمی اش کاملاً قابل یادگیری و قابل تدریس است اگر جنبه انقلابی و پراتیکی کمونیسم را ازش بگذاریم کنار جنبه باصلاح زبرورو کننده این مباحثات، جنبه سلبی کمونیسم را بگذاریم کنار مارکس بعنوان یک متفکر اقتصادی خیلی بحثهایش سرو ته اش بیشتر به هم مربوط است تا تمام این بدنه علم اقتصادی دانشگاه. غالب است، این کتاب را دیده اید؟ کارل مارکس. بیوگرافی خصوصی تر مارکس است. اولش خود طرف که مارکسیست نیست میگوید بعد از ماجرای بلوک شرق ما فکر میکردیم که مارکس دیگر از مد می افتد در صورتی که الان صاحبان صنایع از زبانشان میشنوم که مارکس راست میگفت واقعا. میدانید چی را راست میگفت میگویند راجع به انباشت سرمایه میگویند راست میگفت، راجع به منشا سود راست میگفت، راجع به منشا ربا میگویند راست میگفت، راجع به رابطه مزد و اشتغال میگویند راست میگفت، راجع

دیگر داشتش و میتوانست بگذارد در طاقچه که این آدم کاپیتال خوانده. علتش حالت ویژه است که این کتاب پیدا کرده. بطور کلی فکر میکنم مارکسیستها خیلی سراغ این کتاب نرفتند. کتابه هست یک چیزی هم راجع به آن شنیده اند ولی بخش خیلی کمی از جنبش کمونیستی و مارکسیستهایی که هر روز دارند فعالیتهای کمونیستی میکنند میروند سراغ این کتاب ببینند که آخر تو این چی نوشته شده داستان چی است. انور خامنه ای تعریف میکند از ۵۳ نفر وقتی آنها را گرفتند. بازجویی میآید و چک میزند تو گوش او و میگوید کجای کاپیتال نوشته خدا نیست برو آن را برای من بیاور. یعنی فکر میکنند کاپیتال آن کتابی است که همه چیزه مارکسیسم اساسا آنجا گفته شده. از خدا نیست و غیره. کاپیتال تصویرش زودتر از خودش رفته جلو اساطیری راجع به آن ساخته شده ولی تعداد کسانی که واقعا اینرا بردارند و بخوانند، زیاد نیست. در نتیجه بنظر من مرکز مارکسیسم است بنظر من یک مارکسیست میتواند این کتاب را بخواند و بفهمد باید بخواند و بفهمد برای اینکه تاثیر دارد در برداشت اش از کمونیسم و من میخوام اینرا در بخش اول صحبتیم بیشتر و تئوریکتر بازش کنم جایگاه کاپیتال در مارکسیسم و در کمونیسم. در دو وجه اجازه بدهید راجع به آن صحبت کنیم یکی جایگاه کاپیتال در مارکسیسم بعنوان یک علم بعنوان یک پیکره اندیشه

این متن از روی نوار پیاده شده و سعی شده است که به همان شکل محاوره ای باشد. این سخنرانی برای اولین بار است که پیاده میشود و لذا مشخص نیست که دقیقاً در چند شماره میتوانیم آنرا دنبال کنیم. مسئولیت اشکالات تایپی با سردبیر است.

قسمت دوم

موقعی که ما دانشجو بودیم خواندن کاپیتال یک حالتی بود مثل اولین دانشجویی که ماشین میخرد و بقیه می گفتند فلانی ماشین دارد. کسی که کاپیتال خوانده بود عضو یک باشگاه ویژه ای بحساب میآمد. خیلی شیک خیلی محترم، میگفتند فلانی کاپیتال خوانده است. بچه های کنفدراسیون تعریف میکردند از یک دوستی به اسم احمد قطبی در کنفدراسیون که میگفتند کاپیتال خوانده. میگفتند در کنگره کنفدراسیون کاپیتال را میاورد و میرفت می نشست ردیف اول کنگره و کاپیتال میخواند. ایمیچی که کاپیتال میداد به کسی که آنرا خوانده بود این بود که این یک کلاس بالاتر از بقیه کسانی است که ادعای سوسیالیسم میکنند و ادعای کمونیسم میکنند کسی که جرات کرده برود کاپیتال بخواند. خوانده یاد گرفته و الان دیگر طرفش نمیشود شد. کاپیتال یک جایزه ای بود کسی که فتح اش میکرد و

آزادی برابری حکومت کارگری